

Examining the function of international law in relation to the war in Ukraine

Abstract

International law has been shaped by the occurrence of war and destruction, and over time, it has been recognized as an essential tool for maintaining order in the world. Although global politics has gradually created relations between governments and developed progress through the creation of common laws between countries, it has provided the basis for better international interaction; But this system needs to be reformed as much as possible. Based on this, this article examines the method of implementing international law as efficiently as possible in connection with the war in Ukraine. Then, using the analysis of the current legal framework and various mechanisms, it examines the effective methods of implementing international law. Therefore, this article deals with the disadvantages of the effective implementation of these mechanisms at the international level and provides suitable suggestions to improve the implementation process of these laws. Also, in this research, it focuses on the war in Ukraine and gives examples of violations of international law by Russia as a permanent member of the United Nations Security Council to identify the appropriate model for not strictly implementing these laws. It also explains the concepts of immunity vacuum and lack of legal responsibility as two main axes in the implementation of international law and offers suggestions for improving these axes, including creating a joint monitoring model, strengthening regional organizations and effective interaction between national and international legal and judicial systems.

Keywords: international law, Ukraine, executive mechanisms, Russia, sovereignty, legal responsibility, immunity vacuum

بررسی کارکرد حقوق بین‌الملل در رابطه با جنگ اوکراین

مهشید یراقی اصفهانی^۱ زهرا فیضی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۵

چکیده

حقوق بین‌الملل به واسطه وقوع جنگ و ویرانی‌ها شکل گرفته است و در طول زمان، به عنوان یک ابزار اساسی برای حفظ نظم در سطح جهان شناخته شده است. اگرچه سیاست جهانی به تدریج به ایجاد روابط میان دولت‌ها و توسعه پیشرفت به واسطه ایجاد قوانین مشترک بین کشورها زمینه را برای تعامل هرچه بهتر بین‌المللی فراهم کرده است؛ اما این سیستم نیازمند ایجاد اصلاحات هرچه بیشتر است. بر همین اساس، این مقاله به بررسی روش اجرای هرچه کارآمدتر حقوق بین‌الملل در ارتباط با جنگ اوکراین می‌پردازد. سپس با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به بررسی چارچوب قانون کنونی، مکانیسم‌های مختلف و روش‌های موثر اجرا حقوق بین‌الملل می‌پردازد. از این رو مقاله حاضر، به معایب اجرای موثر این مکانیسم‌ها در سطح بین‌الملل می‌پردازد و به ارائه پیشنهادها مناسبی برای بهبود فرآیند اجرای این قوانین پرداخته است.

yaraghim@yahoo.co.uk

^۱استادیار، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه غیر دولتی شهید اشرفی اصفهانی؛ اصفهان، ایران
^۲دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه غیر دولتی شهید اشرفی اصفهانی

همچنین در این تحقیق، بر جنگ اوکراین متمرکز است و مثال‌هایی از نقض حقوق بین‌الملل توسط کشور روسیه به عنوان یکی از اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد برای تشخیص الگو مناسب برای عدم اجرا دقیق این قوانین بیان می‌کند و به توضیح مفاهیم خلاء مصونیت و عدم مسئولیت حقوقی به عنوان دو محور اصلی در اجرای حقوق بین‌الملل می‌پردازد و پیشنهادهایی را برای بهبود این محورها، از جمله ایجاد مدل نظارت مشترک، تقویت سازمان‌های منطقه‌ای و تعامل اثربخش میان نظام‌های حقوقی و قضائی ملی و بین‌المللی، مطرح می‌نماید.

واژگان کلیدی: حقوق بین‌الملل، اوکراین، مکانیسم‌های اجرایی، روسیه، حاکمیت، مسئولیت حقوقی، خلاء مصونیت

حقوق بین‌الملل به واسطه جنگ و ویرانی ایجاد شده‌اند؛ این حقوق امید به تجدید نظم و اخلاق را زنده نگه می‌دارند. به‌هرحال، آنقدر که سیاست بین‌المللی کمکی به ایجاد روابط بین دولت‌ها و پیشرفت از طریق ایجاد قوانین برای جریان بین‌المللی می‌کند، اما این سیستم کامل نیست و نیازمند بستری از اصلاحات و پیشرفت‌ها، به‌ویژه در زمینه چگونگی اجرای آن، است. در سال ۱۹۱۹، معاهده ورسای نشانه‌ای از ایجاد معاهده جامعه ملل بود و به عنوان اولین تلاش تاریخی به صورت‌سازمانی برای صلح و امنیت جهانی تلقی می‌شود. این معاهده، برنامه‌ای را برای وضع حقوق بین‌الملل، نظم دهی به قوانین جریان بین‌المللی و ایجاد دیوان قضایی دائمی ایجاد نموده است؛ اما این اتحادیه قادر به برقراری صلح نبوده است (Salari, 2023:5).

سازمان ملل متحد پس از جنگ جهانی دوم به عنوان یک طرح سازمانی بین‌المللی تأسیس شد. این سازمان به طور پیش‌رونده‌ای موجب ایجاد روش‌های قانونگذاری و حقوقی انعطاف‌پذیر و پیچیده، برای بیشتر حوزه‌های عملیاتی در سطح جهان شد و با مدیریت نگرانی‌های دولت‌ها، حمایت از جایگاه انسانی را افزایش داد. در نبود یک چارچوب مناسب جهت اجرا موثر حقوق بین‌الملل و مشخص نمودن مسئولیت کشورها در برابر قوانین بین‌المللی، هیچ نظمی وجود نخواهد داشت و تنها شاهد هرج و مرج در سطح جهان خواهیم بود. از همین رو، باید به این نکته توجه نمود که برخی از مهم‌ترین کنشگران جهانی، به‌ویژه اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل، قوانین بین‌المللی را کرده و با عدم اجرای تحریم‌های اقتصادی مانع از اجرای قوانین حقوق بین‌الملل برای توقف درگیری‌ها می‌شوند. ائتلاف تحریمی ایجاد شده علیه روسیه، بسیاری از کشورهای در حال توسعه و بازیگرانی نظیر چین را مستثنی کرده است. جنگ اوکراین دنیا را گروه‌بندی کرده است و هر گروه دارای دیدگاه خودش در مورد حقوق بین‌الملل و نظم بین‌المللی است (Tsygankov, 2023:8).

به این دلیل که حقوق بین‌الملل با توجه به مفهوم حاکمیت دولتی به عنوان مبنا، طراحی شده است، حقوق بین‌الملل را می‌توان حداقل در مورد اعضای دائمی شورای امنیت و در صورتی که آن کشور موافق آن باشد، به اجرا درآورد. به عنوان نمونه، دولت ایالات متحده در زمان جورج دبلیو بوش با حمله به عراق حقوق بین‌الملل را زیر پا گذاشت. در گذشته نیز کشورهای غربی نیز مشابه اینکار را انجام دادند؛ اما شاهد تحریم‌های گسترده اقتصادی نظیر آنچه که امروزه بر روسیه وضع شد؛ نبودیم. در ارتباط با حمله روسیه به اوکراین، کشور روسیه حقوق بین‌المللی را زیر پا گذاشت. همچنین به نظر می‌رسد؛ روسیه معتقد است (Caianiello, 2022:7)؛ که حقوق بین‌الملل هیچ برخوردی با او نخواهد کرد؛ که به یک استاندارد دوگانه در حقوق بین‌الملل می‌رسد. جنگ اوکراین که منجر به تلفات و ویرانی بسیار و فرار میلیون‌ها نفر از اوکراین شده است؛ که این پروژه مهمی است؛ زیرا نقض اساسی حقوق بین‌الملل منجر به جنگ در اوکراین شده است که همچنان نیز ادامه دارد. در این درگیری، روسیه حقوق کیفری بین‌المللی و حقوق بشردوستانه بین‌الملل را نقض کرده و این درگیری همچنان ادامه دارد. همچنین از زمان ایجاد حقوق بین‌الملل، کنشگران برجسته بین‌المللی، مسئول تخلفاتی هستند؛ که همچنان بدون مجازات مانده است. این مساله می‌تواند هر کشوری را به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، تحت تاثیر قرار دهد. درگیری بین دو یا چند کشور معمولاً دارای عکس‌العمل جهانی است. در نتیجه، هدف از این مقاله ایجاد یک راهکار موثر

برای اجرای حقوق بین‌الملل است. توانایی اجراء حقوق بین‌الملل به شکلی موثر، موجب کاهش هرج و مرج در سطح جهانی می‌شود و از طرفی، این روند موجب تغییر نگاه به این مساله می‌شود؛ زیرا امروزه بیشتر کشگران در عرصه قوانین بین‌المللی، حقوق بین‌الملل را به عنوان مجموعه‌ای از دستورالعمل‌های پیچیده می‌دانند که اجرای آن به زمان زیادی نیاز دارد (Hauter,2021:12).

حقوق بین‌الملل در ارتباط با بسیاری از کشورها نقض شده است به طوری که حقوق آن کشور در عرصه جهانی زیرپا گذاشته شده است. از این رو یافتن روش‌های جدید و موثر که اجرا این قوانین حقوقی را تضمین کند؛ نیازمند تعیین معیارهای جدیدی است؛ که یکی از این معیارها، افزودن مسئولیت حقوقی به چارچوب قانونی در حقوق بین‌الملل است که تمام کشگران در صحنه بین‌المللی را مورد بازخواست قرار می‌دهد. اگرچه حقوق بین‌الملل روابط میان کشورها را تعریف می‌کند؛ اما اتحاد میان کشورها در استحکام این امر نقشی اساسی ایفا می‌نماید؛ بنابراین، از سال ۲۰۱۸ که ۶۹ موسسه از ۱۰۰ موسسه ثروتمند در سطح جهان که موجب شکل‌گیری این اتحادیه‌ها میان دولت‌ها شدند؛ این سوال در ارتباط با آنها مطرح شده است که، چگونه می‌توان به کنترل این موسسات و اتحادیه‌ها پرداخت؟ (Salari,2023:8).

با توجه به وقوع جنگ روسیه علیه اوکراین این سوال مطرح است که کارکرد حقوق بین‌الملل در رابطه با جنگ اوکراین چیست؟ مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و با اسناد کتابخانه‌ای گردآوری شده است و این فرضیه به محک آزمون قرار داده شده است که حقوق بین‌الملل تحت تاثیر نفوذ قدرت‌های بزرگ بوده و در بحران اوکراین نمی‌تواند کارکردی تماماً موثری داشته باشد.

ابزارهای اجرایی حقوق بین‌الملل

بر اساس پژوهش‌های پیشین این سوال مطرح است که؛ آیا حقوق بین‌الملل را چگونه می‌توان به طور متمایز اجرا نمود؟ برای پاسخ به این سوال، محققان به بررسی ابزارهای اجرایی گوناگون در حوزه حقوق بین‌الملل نظیر دادگاه، حکمیت، مکانیزم حل و فصل اختلاف، دادگاه‌های منطقه‌ای و جهانی پرداختند و به این نتیجه رسیدند؛ هرچند مجموعه بزرگی از قوانین بین‌الملل در ارتباط با چگونگی عملکرد دولت‌ها وجود دارد؛ اما ابزار اجرای حقوق بین‌الملل در بعضی از موارد به‌طور نابرابر و یا با روندی بسیار آهسته مورد استفاده قرار می‌گیرند (Crawford,2019:2).

در پژوهشی که توسط نمایان و توسلی نائینی (۱۴۰۰) با عنوان صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی در رسیدگی به جنایات جنگی در اوکراین صورت گرفت. نتایج حاصل نشان داد؛ به‌رغم وجوه اشتراک در ماهیت، اذعان می‌شود که برخی از جنایات جنگی در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی جرم‌انگاری شده، ارتکاب آن‌ها به‌طور کلی در چارچوب مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی به‌مثابه جنایات جنگی قلمداد نمی‌شوند (نمایان و توسلی نائینی، ۱۴۰۰: ۷).

برخی از محققان نظیر رافائل وونیککی^۳ نسبت به حقوق بین‌الملل تردید دارند و معتقدند؛ تعارض میان برابری و آزادی در کشورها، تنها در سطح اجرایی قابل حل و فصل است و بی‌توجهی به این سطح در جنگ اوکراین، آسیب‌های بسیاری بر بخش‌های مختلف زندگی افراد در کشور اوکراین وارد کرده است. همچنین ناتوانی در حفظ استانداردها بر مبنای فرضیات مورد پذیرش نیز یکدیگر از دلایل ایجاد تنش و هرج و مرج در سطح بین‌الملل است. یکی از محققین عرصه حقوق بین‌الملل، مک کینون است که به بررسی محدودیت‌های استفاده از شیوه‌های جبران خسارت در معاهدات حقوق بشری پرداخته است. هدف او یافتن روش‌هایی موثر برای اجرای حقوق بین‌الملل بوده است (Crawford, 2019: 10).

یکدیگر از محققین حوزه حقوق بین‌الملل، رونالد^۴ بوده است؛ که در پژوهشی با عنوان جنگ اوکراین و پیامدهای آن برای حقوق بین‌الملل به بررسی حمله روسیه به اوکراین و چالش‌های ایجاد شده در اثر این حمله در نظم بین‌الملل پرداخته است. نتایج حاصل نشان می‌دهد؛ متغیرهای گرایش به توسعه‌طلبی، چندپارگی جغرافیایی، ناهمگونی فرهنگی همگی تاثیر مثبت و مستقیمی بر اجرای قوانین بین‌الملل در سطح بین‌کشوری و جهانی دارد (Flockhart & Korosteleva, 2022: 6).

همچنین مارسینکو و روگالا^۵ در پژوهشی تاثیر بحران اوکراین بر حقوق بین‌الملل را مورد بررسی قرار دادند. بر اساس این پژوهشی درگیری‌های جاری در اوکراین پرسش‌های مهمی را در ارتباط با حقوق بین‌الملل ایجاد می‌کند. با توجه به اینکه، بحران سیاسی منجر به درگیری نظامی شده است و نظم جهانی دچار تغییرات گسترده‌ای شده است لذا این سوال مطرح است که حقوق بین‌الملل و مکانیزم‌های اجرایی وابسته به آن نیازمند چه تغییراتی است تا بتواند خود را با این تغییرات مطابقت داده و اثرگذاری لازم را برای حل بحران‌هایی نظیر این داشته باشد (Marcinko & Rogala, 2017: 9).

در پژوهشی دیگر سالاری (۲۰۲۳) به بررسی حمله روسیه به اوکراین و ظرفیت دادگاه کیفری بین‌المللی برای بررسی جنایت جنگی مرتبط با این حمله پرداختند. نتایج حاصل نشان می‌دهد؛ ادعاهای روسیه مبنی بر دفاع پیش‌بینی کننده از خود و مداخله بشردوستانه و مداخله با دعوت را نمی‌توان چندان منطبق بر هنجارهای حقوق بین‌الملل دانست و به این ترتیب، این حمله نقض آشکار منشور سازمان ملل است؛ اما با توجه به اینکه روسیه و اوکراین عضو دیوان بین‌المللی دادگستری نیستند؛ نمی‌توان رسیدگی به این موضوع را به دیوان بین‌المللی دادگستری سپرد اما پس از صدور اعلامیه از طرف اوکراین مبنی بر پذیرش صلاحیت دیوان در رسیدگی به این موضوع با قبول پذیرش محدودیت‌های دیوان و تفسیر دادگاه از عبارت «رویداد جرم در قلمرو»، می‌توان موردی را مطرح کرد که دیوان تا حدودی ظرفیت رسیدگی به این موضوع به عنوان یک عمل تجاوزکارانه را دارد (Salari, 2023: 2).

در پژوهش دیگری که توسط کانیلو (۲۰۲۳) انجام شد. نقش اتحادیه اروپا در بررسی جنایات جنگی در اوکراین مورد بحث و بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل نشان داد؛ اتحادیه اروپا در بررسی جنایات جنگی در اوکراین بر اساس قوانین بین‌المللی کشورها را ملزم نمود تا با تشکیل تیم تحقیقاتی مشترک نقض قوانین بین‌المللی و مرتکبین جنایات جنگی در اوکراین را شناسایی و مورد بازخواست بین‌المللی قرار دهند (Caianiello, 2022: 13).

۳ Rafal Wonicki

۴ Roland

5 Marcinko & Rogala,

در پژوهشی دیگر که توسط کلی^۶ (۲۰۲۳) با عنوان نقش حقوق بین‌الملل در جنگ روسیه و اوکراین انجام شد. براساس این پژوهش حقوق بین‌الملل نقش مهمی در جنگ روسیه و اوکراین ایفا کرده است. این قوانین، کشورها را ملزم می‌کند از توسل به‌زور برای حل اختلافات خود بپرهیزند و در صورت وقوع جنگ، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه را رعایت کنند. روسیه با حمله به اوکراین، قاعده منع توسل به‌زور در حقوق بین‌الملل را نقض کرده است. این قاعده، یکی از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل است که از زمان جنگ جهانی اول به عنوان یک قاعده عرفی پذیرفته شده است. اقدامات روسیه در اوکراین، همچنین نقض چندین کنوانسیون بین‌المللی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بوده است. این کنوانسیون‌ها، روسیه را ملزم می‌کنند که از حمله به غیرنظامیان و زیرساخت‌های غیرنظامی، استفاده از سلاح‌های ممنوعه و شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها با زندانیان خودداری کند؛ در غیر این صورت با تبعاتی نظیر تحریم‌های اقتصادی، محاکمه سران روسیه در دادگاه‌های بین‌المللی و مجازات‌های اخلاقی مواجه می‌شود. هرچند به علت عدم رعایت این قوانین روسیه با برخی از مجازات‌های بیان‌شده مواجه شده است؛ اما این امر تاکنون نتوانسته مانع از ادامه جنگ و درگیری در اوکراین شود (Kelly,2023:7).

در پژوهشی دیگر، با عنوان نقض حقوق بین‌الملل در جنگ روسیه و اوکراین که توسط جیمز^۷ صورت گرفت. نتایج حاصل نشان می‌دهد؛ روسیه با حمله به اوکراین، قاعده منع توسل به‌زور در حقوق بین‌الملل را نقض کرده است. همچنین اقدامات روسیه در اوکراین، نقض چندین کنوانسیون بین‌المللی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بوده است. همچنین دانلاب^۸ در پژوهشی کارکرد حقوق بین‌الملل در جنگ اوکراین را مورد بحث و بررسی قرار داد. او استدلال می‌کند که حقوق بین‌الملل در این جنگ نقش مهمی داشته است. قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد، تشکیل تیم تحقیقاتی مشترک توسط اتحادیه اروپا و حمایت از دیوان کیفری بین‌المللی در ارتباط با جنایات جنگی، نمونه‌هایی از اقدامات حقوق بین‌الملل برای پاسخ به جنگ اوکراین هستند (Janik,2023:9).

در پژوهشی دیگر دانکن^۹ نقش حقوق بین‌الملل در پیشگیری از جنگ اوکراین را مورد بحث و بررسی قرار داد. براساس نتایج حاصل، حقوق بین‌الملل نتوانست از وقوع این جنگ جلوگیری کند. با این وجود، حقوق بین‌الملل می‌تواند در پیشگیری از جنگ‌های آینده نقش مهمی ایفا کند. تقویت نهادهای حقوق بین‌الملل و افزایش آگاهی از حقوق بین‌الملل، می‌تواند به پیشگیری از جنگ‌ها کمک کند (Gorodnichenko,2021:18).

در پژوهش دیگری که توسط پولیاکوا^{۱۰} با عنوان چالش‌های حقوق بین‌الملل در جنگ اوکراین انجام شد. نتایج حاصل نشان داد؛ حقوق بین‌الملل به علت نبود ضمانت اجرایی دقیق و قوی، با چالش‌هایی اساسی روبه‌رو است. یکی از چالش‌های اصلی حقوق بین‌الملل در این جنگ، عدم همکاری روسیه با نهادهای حقوق بین‌المللی است. روسیه از

^۶ Kelly

^۷ James

^۸ Donlab

^۹ Doncan

^{۱۰} Polyakova

همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی خودداری کرده است و به قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد عمل نکرده است؛ که در عمل قوانین حقوقی در سطح بین‌المللی را بی اثر کرده است.

نیکولز^{۱۱} در پژوهشی آینده حقوق بین‌الملل پس از جنگ اوکراین مورد بحث و بررسی قرارداد. نتایج حاصل نشان داد؛ جنگ اوکراین، حقوق بین‌الملل را به چالش کشیده است. این جنگ نشان داده است؛ حقوق بین‌الملل برای جلوگیری از جنگ‌ها و مجازات مرتکبان جنایات جنگی، قدرت لازم را ندارد (Hauter, 2021: 6).

سیفی (۱۴۰۲) پژوهشی با عنوان جنگ روسیه و اوکراین از منظر حقوق توسل به زور را انجام داد. نتایج حاصل نشان داد؛ روسیه قواعد حقوق بین‌الملل و حق تمامیت ارضی و استقلال سیاسی اوکراین را نقض و دلایل روسیه برای مشروعیت بخشیدن به تجاوز نظامی به اوکراین، موجه نیست (سیفی، ۱۴۰۲: ۱۶).

گویلا لانزا^{۱۲} به بررسی تصمیمات اتخاذ شده مرتبط با جنگ اوکراین در سطح بین‌المللی پرداخته است. این تصمیمات راه‌حلی برای مجازات و تحت تعقیب قرار دادن مرتکبین جرایم جنگی در اوکراین مطرح کرده است؛ که این تصمیمات موجب خروج روسیه از شورای حقوق بشر اروپا شد. همچنین این پژوهش به بحث حقوق کیفری بین‌المللی و لزوم همکاری میان کشورها و سازمان‌های بین‌المللی، جهت دستیابی به عدالت به واسطه ظلم‌های صورت گرفته علیه مردم اوکراین می‌پردازد. در این جهت می‌توان به تلاش‌های صورت گرفته نظیر تشکیل کمیته حقوق بین‌الملل برای توقف اقدامات روسیه علیه اوکراین و تعقیب و مجازات مرتکبین جنایت جنگی اشاره نمود (Lanza, 2022: 8).

آتی کورهونن^{۱۳} که دکتری خود را از دانشکده حقوق هاروارد دریافت نمود و در حوزه حقوق بین‌الملل فعال است؛ پژوهشی انجام داد که در آن به این موضوع می‌پردازد که؛ چگونه روسیه کنترل خود را بروی جدایی‌طلبان انکار کرده است و هر گونه مسئولیتی در ارتباط با سوء استفاده افراد کلاه سبز قبل و بعد از الحاق شبه جزیره کریمه به خاک خود در سال ۲۰۱۴ را رد نموده است. همچنین این پژوهش به بررسی شرایط اوکراین از منظر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی پیش از آغاز جنگ می‌پردازد (Mahasaraswati Denpasar, 2022). همچنین این بحث مطرح است؛ که نهادهای حقوقی بین‌الملل نظیر دیوان بین‌الملل دادگستری از ابزارهای گوناگونی با توجه به روش‌های حقوقی مختلف و حتی متناقض استفاده می‌کند؛ تا به ساختار گشایی مواضع قانونی تثبیت شده بپردازد؛ اما ناپایداری موقعیت‌های پیش آمده می‌تواند این ابزارها را بی اثر نماید. در شرایطی که حقوق بین‌الملل تنها برای کشورها قابل استفاده است و کاربرد چندانی برای موسسات ندارد؛ از این رو می‌توان تخلفات مرتبط با موسسات را به طور مستقیم به کشورها مبدا موسسات نسبت داد و با ایجاد پرونده‌هایی در این حوزه به تخلفات رسیدگی کرد. روسیه به عنوان نمونه از گروه‌های شبه نظامی برای انجام اقدامات جنگی و خشونت‌بار طی درگیری بین‌المللی استفاده کرده است. اقدامات صورت گرفته توسط گروه واگنر طی اشغال شبه جزیره کریمه و الحاق آن به خاک روسیه در سال ۲۰۱۴، نمونه‌ای از این موارد است؛ که چگونه یک کشور می‌تواند؛ از گروه‌های نیابتی برای

^{۱۱} Nikoles

^{۱۲} Guilia Lanza

^{۱۳} Outi Korhonen

دور زدن حقوق بین‌الملل استفاده کند؛ بنابراین، می‌باید این موضوع را به طور دقیق مورد توجه قرارداد تا بتوان شرایط لازم برای اجرای هرچه دقیق‌تر قوانین بین‌المللی در این حوزه را فراهم نمود (Roland, 2023: 12).

در مقاله‌ای با عنوان «روش‌های اجرای قانون بین‌الملل» که توسط توماس رابرن وایت^۴ نوشته شد. این موضوع مورد بحث و بررسی قرار گرفت که چگونه براساس منشور ملل متحد که براساس آن تمامی ملت‌ها به عنوان عضوی از یک جامعه هستند؛ می‌باید به قوانین و مقررات حقوق بین‌الملل مقید باشند. صرف نظر از اینکه این قوانین بیشتر بر روی کاغذ کاربرد دارد. وایت معتقد است؛ آیا پرسش واقعی این است که شورای امنیت صلاحیت لازم برای نقش‌آفرینی در موضوعات جزئی در شرایط تحت فشار و تنش مرتبط با تعارض منافع در میان ابرقدرت‌ها را دارد. این پژوهش به این نتیجه رسیده است که براساس تجربیات گذشته، شورای امنیت نتوانسته براساس قوانین سازمان ملل متحد نقش خود را ایفا نماید؛ زیرا در زمانی که شرایط و نزاع‌ها در تعارض منافع با یکی از پنج عضو دائمی شورای امنیت است، آن کشور به واسطه حق و تو می‌تواند اقداماتی را برخلاف منافع سایر طرفین و قوانین حقوق بین‌الملل انجام دهد (Salari, 2023: 4).

همچنین وایت معتقد است؛ امریکا در ارتباط با مباحث مربوط به حق و تو اعضای دائمی شورای امنیت لفاظی می‌کند. به طور هم‌زمان چندین طرح برای ایجاد تغییرات در منشور سازمان ملل متحد پیشنهاد شده است؛ که دو مورد از این طرح‌ها شامل صدور قطعنامه در سنای ایالات متحده است. به طوری که براساس طرح اول، ایالات متحده باید از نفوذ خود برای توافق داوطلبانه برای حذف حق و تو از تمام مسائل مرتبط با حل و فصل اختلافات بین‌المللی و همچنین پذیرش اعضای جدید استفاده کند. در طرح دوم که ۱۶ سناتور از آن پشتیبانی می‌کنند؛ دولت ایالات متحده باید به بازبینی این منشور بدون هیچ تاخیری متعهد شود تا به حذف حق و تو در موارد تجاوز ارضی، تجهیز سلاح برای تجاوز و یا پذیرش اعضای جدید پردازد و اینکه چنین بازبینی می‌باید؛ بدون توجه به مخالفت سایر اعضای دائم شورای امنیت، صورت گیرد (Crawford, 2019: 12).

محدودیت دیگری که برای اجرای حقوق بین‌الملل وجود دارد این است که برای مواردی خارج از مسائل بین‌المللی و مابین موسسات کاربرد ندارد. نظام حقوق بین‌الملل کنونی به این صورت ساختار بندی شده است؛ که موسسات تنها توسط کشورها کنترل می‌شوند و کشورها در عوض مقید به تعهدات حقوق بین‌الملل هستند. گسترش سریع موسسات بین‌المللی منجر به تضعیف نظارت فعالیت‌های حقوقی و منجر به چالش‌هایی شده است که جزء مسئولیت موسسات مبتنی بر جرایم بین‌المللی است. مسئولیت حقوقی موسسات به دلیل فعالیت برخی از موسسات در عرصه جهانی این موضوع پیچیده‌تر شده است؛ آن‌ها را در جایگاه قدرتمندی برای تاثیرگذاری بر روی فرایندهای قانونی قرار گرفته است (Snyder, 2022: 16). در حال حاضر، اساسنامه روم موجب محدود شدن مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی شده است و ساختاری را ایجاد نمی‌کند که موسسات - یعنی اشخاص حقوقی - بتوانند از طریق حقوق بین‌الملل در سطح کشوری، مسئول شناخته شوند. این

^۴ Thomas Raeburn White

محدودیت ساختاری، خلالتی را در مسئولیت شرکت‌ها ایجاد می‌کند (Caianiello, 2022:2). در علوم سیاسی و حقوقی، از حقوق بین‌المللی به عنوان یک نظام اصلی و خودکفا یاد می‌کنند. فقدان یک ابزار اجرایی متمرکز موجب ایجاد تفاسیر بدبینانه در ارتباط با ارزش و تأثیرگذاری حقوق بین‌الملل شده است (Tsygankov, 2023:5).

حقوق بین‌الملل در پرونده اوکراین

پژوهش‌های موجود در ارتباط با جنگ اوکراین بسیار جدید و پربار هستند؛ اما مانع اصلی در توسعه این پژوهش‌ها مربوط به زبان است زیرا تعداد زیادی از مقالات پژوهشی توسط محققان اوکراینی نوشته شده و به زبان انگلیسی ترجمه نشده است. از طرفی، ادامه جنگ اوکراین، منجر به ایجاد مباحثی در ارتباط با نقش حقوق بین‌الملل و موسسات منطقه‌ای و جهانی در حفظ صلح و امنیت بین‌الملل شده است. از طرفی پژوهشگران بیش از دیگران بر این موضوع تأکید دارند که اگر کشورهای جهان انتظار دارند که حقوق بین‌الملل به ابزار اجرایی تأثیرگذارتر تبدیل شود؛ این امر نیازمند انجام اصلاحاتی در ساختار شورای امنیت است. سایاپین¹⁵ که دارای مدرک دکتری حقوق کیفری بین‌المللی است، معتقد است؛ این اصلاحات باید بر عضویت اعضا و شکل رای‌گیری در شورای امنیت متمرکز شود (Katchanovski, 2023:11).

لوئیس گراسمن¹⁶، وکیل و استاد حقوق در حوزه استانداردهای حقوق بین‌الملل، در ارتباط با استفاده از قدرت کنترل‌شده در روابط بین‌الملل معتقد است؛ توجیهات ارائه‌شده توسط روسیه که شامل: تفسیر اظهارات و نوشته‌های پوتین است؛ نظیر ادعا روسیه مبنی بر اینکه از قدرت استفاده نکرده است و تنها یک عملیات ویژه برای حفظ صلح انجام داده است. تنها تلاش است برای توجیه اقداماتی که علیه اوکراین با استفاده از منشور سازمان ملل انجام داده است. از این رو این موارد کمک شایانی به درک نقایص منشور سازمان ملل متحد می‌نماید. همچنین این مقاله به صراحت بر باز تجدید کامل با هنجارهای موجود در عرصه استفاده از قدرت در حقوق بین‌الملل تأکید دارد (Kelly, 2023:14).

حقوق بشردوستانه در سطح بین‌الملل موجب کاهش آسیب‌های جنگی و اثرات آن بر کشورها شده است. این قوانین حقوقی امری ضروری است؛ زیرا در عین اینکه جنگ بر اساس حقوق بین‌الملل ممنوع است؛ منشور سازمان ملل متحد نیز در بعضی از موارد کاربرد زور را مجاز دانسته است. براین اساس کشورها مجاز هستند؛ تا از خودشان به صورت فردی یا جمعی در برابر حملات متجاوزین دفاع کنند. شش معاهده اصلی، شامل بیش از ۶۰۰ ماده و همچنین بعضی از قوانین حقوق عرفی، محدودیت‌های مربوط به کاربرد خشونت در جنگ را بیان نمودند (Janik, 2023:10). معاهده ژنو نقطه ثقل حقوق بین‌الملل است. این معاهده بدنه اصلی قوانین حقوق بشری در سطح جهان را تشکیل داده و به کنترل جریان در درگیری‌های مسلحانه می‌پردازد و به دنبال محدودسازی تأثیرات آن است. این معاهده به طور مشخص از غیرنظامیان و افرادی که در درگیری‌ها شرکت ندارند و تمامی افراد زخمی، بیمار و سربازان مجروح و زندانیان جنگی حمایت می‌کند (Crawford, 2019:9). اولین معاهده ژنو برای حمایت از سربازان زخمی و بیمار در طی جنگ وضع شد. دومین معاهده ژنو بر حمایت از پرسنل نظامی زخمی، بیمار و غرق‌شده در کشتی‌های جنگی می‌پردازد. سومین معاهده ژنو مرتبط با اسرای

¹⁵ Sayapin

¹⁶ Lewis Grossman

جنگی است و چهارمین معاهده، مربوط به حمایت از غیرنظامیان در مناطق اشغالی است. معاهدات ژنو برای کشورهای عضو پیمان ژنو کاربرد دارد؛ که روسیه نیز عضوی از آن است. بسیاری از کشورها از جمله ایالات متحده به بومی سازی معاهده ژنو در حقوق نظامی داخلی خود پرداختند. از این رو این معاهده یکی از معتبرترین معاهدات جهانی است؛ زیرا کشورها می خواهند طی درگیری‌ها مورد حمایت قرار گیرند. کشور روسیه علاوه بر نقض مواد قانونی این معاهده در ارتباط با اعلان جنگ به کشوری از اعضای سازمان ملل متحد، مواد مرتبط با شکل درست رفتاری در طی عملیات نظامی را نیز زیر پا گذاشته است (Tsygankov, 2023:9).

بر اساس نظر دو تن از صاحب نظران حوزه حقوق بین الملل به نام‌های لرنس گاستین^{۱۷} استاد دانشگاه جورج تاون و لئونارد رابنستین^{۱۸} وکیل، حملات گسترده نظیر استفاده از تسلیحات سنگین علیه مراکز بهداشتی، پرسنل، بیماران و تجهیزات پزشکی صورت گرفته است. این شرایط موجب شده است تا اوکراین نیاز مبرمی به کمک‌های بشردوستانه داشته باشد. حقوق بین‌المللی در حوزه روابط بشردوستانه، به عنوان مجموعه‌ای از قوانین برای مدیریت درگیری‌های تسلیحاتی است. روسیه با توجه به اقداماتش این قوانین را نقض کرده است؛ که این نقض آشکار حقوق بشردوستانه در سطح بین‌الملل و یک جنایت جنگی است. این پژوهش به این موضوع اشاره دارد که کشورهای کمی در برابر خشونت انجام شده در قبال مراکز درمانی و بهداشتی در طی جنگ از خود نشان می‌دهند که این امر تنها مربوط به درگیری‌های کنونی در اوکراین نیست. بر اساس قوانین بین‌المللی در این حوزه، حتی فرماندهانی که به‌طور مستقیم دستور اجرای اقدامات مجرمانه را نداده باشند، مسئول دانسته می‌شوند. در انتهای این مقاله ادعا شده است که قدرتمندترین ابزار که می‌تواند مرتکبین جنایات جنگی را به صورت تضمینی پاسخگو نماید تنها حق و تو اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد است (که روسیه نیز یکی از اعضای دائم شورای امنیت است) و بر این اساس مقاله حاضر بر اهمیت مسئولیت‌پذیری تاکید دارد (Lanza, 2022:5).

با این وجود مانع اصلی جهت پاسخگو نمودن روسیه در برابر اقداماتی که در اوکراین انجام داده است؛ جایگاه او به عنوان عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد است؛ اما برخی از کشورها اعلام کردند که جایگاه روسیه در شورای امنیت معتبر نمی‌باشد. این کشورها به این موضوع اشاره دارند، زمانی که سازمان ملل متحد تشکیل شد و شورای امنیت تاسیس شد؛ یکی از پنج کرسی اعضای دائمی به اتحادیه جماهیر شوروی داده شد؛ که بعدها این جایگاه به روسیه واگذار شد در حالی که اتحاد جماهیر شوروی از کشورهای بسیاری تشکیل شده بود و روسیه تنها یکی از اقمار آن و بزرگ‌ترین کشور عضو این اتحاد بوده است (Snyder, 2022:4).

در مقاله‌ای در دانشکده کینگ لندن، اندرو مک‌لئود^{۱۹} استاد مدعو دپارتمان مطالعات جنگ، به مرور این موضوع که چگونه روسیه کرسی اتحادیه جماهیر شوروی را پس از انحلال این کشور به دست آورد پرداخته است. شکل کشورها می‌تواند تغییر کند اما شاخه‌های حقوق بین‌الملل همچنان حفظ می‌شود. مشروعیت کامل روسیه به عنوان یک کشور قائم مقام بر اساس اصل حقوق بین‌الملل زمانی به رسمیت شناخته می‌شود که یک کشور بر قلمرو کشور دیگر غلبه کند (Tsygankov, 2023:13) و کشور اصلی دیگر وجود نداشته باشد. تمام معاهدات و امتیازات قدیمی که کشور اصلی بخشی

¹⁷ Lawrence Gostin

¹⁸ Leonard Rubenstein

¹⁹ Andrew MacLeod

از آن بوده، متوقف شده و کشور جدید می‌تواند با الحاق به معاهدات موجود به طور مجدد از امتیازات قبلی بهره‌مند شود. از طرفی تجزیه به معنای فروپاشی یک کشور است؛ اما کشور اصلی همچنان وجود دارد. در این ارتباط کشور اصلی به عنوان بخش اصلی به‌جای مانده نقش اساسی ایفا نموده و کشور جدید باید فرایند را مجدد طی نماید. این دورویه در معاهده وین در ارتباط با جانشینی کشورها در زمینه پیمان‌ها مطرح شده است (Crawford, 2019:6).

پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد؛ حق و تو اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد در ارتباط با جنگ اوکراین موجب فلج شدن قوانین سازمان ملل شده است. همچنین حقوق بین‌الملل باید بر پاسخگویی هر دو طرف درگیر در جنگ تمرکز نماید؛ که این موضوع کار را جهت خاتمه دادن به مصونیت و ایجاد یک چارچوب قانونی در سطح جهانی مرتبط با تشکیل یک موسسه حقوقی به عنوان گامی مهم برای اجرای هرچه موثرتر حقوق بین‌الملل دشوار نموده است.

حاکمیت ملی

حقوق بین‌الملل به حاکمیت قانون مرتبط با نقش نهادها و سازمان‌های بین‌المللی در ارتباط با یکدیگر و تعیین شکل روابط آن‌ها با یکدیگر پرداخته است. سازمان ملل دارای ۱۹۳ کشور عضو است و حفظ حقوق بین‌الملل به عنوان یکی از نگرانی‌های اصلی این سازمان به حساب می‌آید. ماده ۲۵ منشور سازمان ملل اعلام می‌کند؛ که اعضای سازمان ملل توافقی بابت پذیرش و اجرای تصمیمات شورای امنیت بر اساس منشور کنونی با یکدیگر دارند (منشور سازمان ملل ماده ۲۵). همچنین شورای امنیت سازمان ملل شامل ۱۵ عضو است که ۵ عضو جزء اعضای دائم شورای امنیت هستند و هر کدام دارای حق و تو هستند. پنج عضو دائم شورای امنیت عبارتند از: ایالات متحده، روسیه، فرانسه، بریتانیا و چین. کشور روسیه به عنوان عضو دائمی شورای امنیت دارای حق و تو است که با استفاده از این حق و تو مانع از صدور هرگونه قطعنامه توسط سازمان ملل علیه خود شده است؛ که این روند مشکلات اساسی را برای ساختار حقوق بین‌الملل ایجاد نموده است. این واقعیت که هیچ استثنایی برای شرایطی که یکی از اعضای شورای امنیت به عنوان کشور متخاصم در جنگ معرفی شود وجود ندارد و این نشان‌دهنده نیاز عمیق باز طراحی ساختارهای موجود در حقوق بین‌الملل است (Katchanovski, 2023:7).

جنگ روسیه و اوکراین یکی از مهم‌ترین رویدادهای قرن بیست و یکم است که تأثیرات عمیقی بر حقوق بین‌الملل داشته است. این جنگ نشان‌دهنده ضعف‌های ساختار فعلی حقوق بین‌الملل، به‌ویژه سیستم شورای امنیت سازمان ملل است. یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در جنگ اوکراین مطرح شده است، مسئله حق و تو اعضای دائمی شورای امنیت است. روسیه به عنوان یکی از اعضای دائمی شورای امنیت، از حق و تو خود برای جلوگیری از صدور قطعنامه‌ای که حمله آن به اوکراین را محکوم می‌کرد، استفاده کرد. این امر نشان داد که حق و تو می‌تواند مانع از انجام وظایف شورای امنیت در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی شود. علاوه بر این، جنگ اوکراین نشان داد که حقوق بین‌الملل در برابر قدرت‌های بزرگ بی‌اثر است. روسیه به‌رغم نقض صریح قوانین حقوق بین‌الملل، از جمله اصل ممنوعیت توسل به‌زور، از عواقب جدی بین‌المللی در امان ماند. این امر نشان‌دهنده نیاز به اصلاحات اساسی در حقوق بین‌الملل است تا از قدرت‌های بزرگ جلوگیری شود که از قوانین بین‌المللی برای تأمین منافع خود استفاده کنند (Crawford, 2019:3).

برخی از پیشنهادات برای اصلاح حقوق بین‌الملل در پاسخ به جنگ اوکراین عبارتند از: کاهش قدرت حق و تو اعضای دائمی شورای امنیت: یکی از راه‌هایی برای کاهش قدرت حق و تو اعضای دائمی شورای امنیت، این است که تعداد قطعنامه‌هایی که می‌تواند با استفاده از حق و تو شوند، محدود شود. به عنوان مثال، می‌توان این گونه مقرر کرد که حق و تو فقط برای قطعنامه‌هایی که مربوط به منافع حیاتی اعضای دائمی شورای امنیت است، قابل استفاده باشد. ایجاد یک مکانیسم جایگزین برای شورای امنیت: در صورت استفاده یک عضو دائمی شورای امنیت از حق و تو، می‌توان از یک مکانیسم جایگزین برای صدور قطعنامه‌ای که حمله یک کشور را محکوم می‌کند، استفاده کرد. این مکانیسم می‌تواند شامل یک اکثریت دو سوم اعضای مجمع عمومی سازمان ملل باشد. توسعه مکانیسم‌های جدید برای مقابله با نقض حقوق بین‌الملل: در صورت عدم اقدام شورای امنیت، می‌توان از مکانیسم‌های جدید برای مقابله با نقض حقوق بین‌الملل استفاده کرد. این مکانیسم‌ها می‌توانند شامل اقداماتی مانند تحریم‌های اقتصادی، تشکیل دادگاه‌های بین‌المللی ویژه یا ایجاد گروه‌های ویژه تحقیق باشند. جنگ اوکراین فرصتی برای بازنگری در حقوق بین‌الملل و اصلاح ساختارهای موجود است تا از قدرت‌های بزرگ جلوگیری شود که از قوانین بین‌المللی برای تأمین منافع خود استفاده کنند (Flockhart, 2022:2). اصلاحات اساسی در حقوق بین‌الملل ضروری است تا از وقوع درگیری‌های مشابه در آینده جلوگیری شود. بررسی این مسائل حقوقی نشان می‌دهد که جنگ اوکراین تأثیرات عمیقی بر حقوق بین‌الملل داشته است. این جنگ ضرورت اصلاحات اساسی در حقوق بین‌الملل را برای مقابله با چالش‌های جدید قرن بیست و یکم نشان می‌دهد (Tsygankov, 2023:6).

از طرفی کشور روسیه نقش مهمی در ایجاد امنیت بین‌الملل ایفا می‌کند. این کشور علاوه بر اینکه عضو دائم شورای امنیت است؛ یکی از چندین عضو چندین معاهده منع کشتار جمعی است که در زمینه پیشگیری و مجازات جرم کشتار جمعی در سال ۱۹۴۹ وضع شده است.

کشورها به حقوق بین‌الملل با توجه به استانداردهای مختلف در طی سال‌ها پایبند هستند. در عین حال که بعضی از کشورها به‌طور خودکار حقوق بشر در سطح بین‌الملل را به عنوان قوانین ملی خود به تصویب رساندند؛ کشورهای دیگری نظیر ایالات متحده تمایل چندانی به رعایت این قانون ندارند. دولت دوم بوش، حقوق بین‌الملل را به عنوان یک محدودیت و امری غیرضروری برای اعمال قدرت امریکا تلقی می‌نمود. سیاستمداران امریکایی از گذشته، حقوق بین‌الملل را به عنوان یک فرایند محدودکننده و تهدیدی جدی برای منافع ملی ایالات متحده تلقی می‌کردند. در این زمینه بوش اعلام نمود؛ قدرت به عنوان یک کشور یا دولت توسط کسانی به چالش کشیده می‌شود که از استراتژی تضعیف‌ساز با استفاده از مجامع بین‌المللی، فرایندهای قضایی و تروریسم استفاده می‌کنند. این اظهارات به عنوان یکی از خطرناک‌ترین دیدگاه‌ها نسبت به حقوق بین‌الملل به‌ویژه از طرف یک عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل مطرح شده است (Snyder, 2022:9).

طی دهه‌های گذشته، کنشگران غیردولتی - به‌ویژه نمایندگان صنایع - دارای مشارکتی فعال در زمینه وضع قوانین بین‌الملل به عنوان کنشگران مشروع و دارای تخصص و سرمایه لازم هستند. روند انحصارگرایی به احتمال زیاد زمانی که به دلیل توسعه اهداف پایدار با توجه به اهدافی نظیر: «نهادهای انحصاری در تمام سطوح»، «افزایش مشارکت چندین سهامدار» و

«افزایش مشارکت بخش دولتی و خصوصی» است (Kelly, 2023:9)؛ بنابراین، عواقب منفی معمولاً نادیده گرفته می‌شوند. از این رو افزایش مشارکت کنشگران غیردولتی می‌تواند موجب انحراف اهداف تعیین شده گردد و در نهایت موجب انحراف قانون‌گذاری در بین‌المللی می‌شود که به شکل نامناسبی به بازتاب منافع سایر بخش‌ها می‌شود؛ در نتیجه، انتقاد نسبت به این حوزه شکلی از نظارت را ایجاد می‌نماید؛ نظیر هیئت‌تغییرات اقلیمی سازمان ملل که به دلیل نزدیکی بالایی‌های شرکت‌های فعال در حوزه سوخت‌های فسیلی مورد انتقاد قرار گرفته است. نهادهای نظارت جهانی به دلیل داشتن سوگیری‌های شدید به سمت منافع صنایع، بانک‌ها و موسسات مالی بزرگ تغییر نمودند. برای مثال: صنایع داروسازی به استفاده از عوامل نفوذ خارجی در وضع استاندارد بین‌المللی برای بخش بهداشت که گاهی در تضاد با بهداشت همگانی است گام بردارد. همچنین نهادهای بشردوستانه، به صورت عملی به اثرگذاری بر فرایندهای تصمیم‌گیری در سازمان‌های بین‌المللی می‌پردازند که بر این سرمایه‌ها تکیه دارد. بعضی از سازمان‌ها نظیر سازمان بهداشت جهانی که با کنشگران غیردولتی وارد مشارکت شدند (Janik, 2023:12).

جهانی‌سازی از طریق پیش‌نویس قوانین اساسی در زمینه حمایت و افزایش نظارت و پایداری به یک زندگی در دنیایی نامتمرکز، حاصل می‌شود؛ اما این اصول به طور اساسی با مفاهیم حاکمیت دولتی در تعارض است (Hauter, 2021:11). از طرفی حقوق بین‌الملل موضوعی منحصر به فرد است؛ زیرا می‌تواند در دنیایی با هرج و مرج گسترده یک نظم متمرکز ایجاد نماید؛ به شکلی که هیچ نظم جهانی دیگری متمرکزتر از آن وجود نداشته باشد و تنها سازمان ملل به عنوان نزدیک‌ترین گزینه به آن مطرح است؛ که بر مبنای حقوق بین‌الملل بر روی آن اجماعی وجود ندارد.

شناسایی تهدید حاکمیت ملی اوکراین

حاکمیت و خودمختاری جزء اصول اصلی حقوق بین‌الملل است. حاکمیت به معنای توانایی یک کشور برای حکومت و وضع قانون در قلمرو تحت سیطره خود بدون دخالت خارجی است. این اصطلاح اشاره به این موضوع دارد که دولت‌ها مستقل و خودمختار بوده و تنها نسبت به مردم خود پاسخگو هستند. حاکمیت به عنوان مبنای اصلی قانون نظام بین‌الملل مطرح است. که از درون این مفهوم خودمختاری بیرون می‌آید. این اصطلاح اصلی‌ترین عامل مشروعیت بخشی به نظام دولتی بر مبنای حاکمیت قانون است. بعبارت دیگر، این اصلی است که مرتبط با حقوق افراد و خواسته‌های متمایز ملت بوده که در اوایل دهه ۱۹۰۰ ایجاد شده است. هنجارهای مربوط به عرف حقوقی بین‌الملل در حوزه خودمختاری به عنوان شرایط ضمنی دولت و حاکمیت مورد پذیرش قرار گرفته است. حق خودمختاری و حاکمیت دائمی به عنوان اصلی اساسی در حقوق بین‌الملل شناخته شده است (Lanza, 2022:14).

براین مبنای اقدامات روسیه به عنوان نقض جدی ماده (۴) منشور سازمان ملل که اعلام می‌دارد: تمام اعضا در روابط بین‌المللی خود باید از تهدید یا استفاده از زور نسبت به تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری، خودداری کنند را نقض نموده است (منشور سازمان ملل، ماده ۲ بخش ۴). همچنین کشور روسیه ماده (1) منشور سازمان ملل را که مربوط به حفظ صلح و امنیت بین‌الملل است؛ نقض کرده است.

همچنین روسیه چندین ماده از تفاهم‌نامه بوداپست را نقض کرده است. این تفاهم‌نامه به عنوان پیمانی در زمینه تضمین امنیت اوکراین در معاهده عدم تکثیر تسلیحات هسته‌ای است؛ که در سال ۱۹۹۴ به امضا رسیده است. براساس این معاهده:

۱. فدراسیون روسیه، پادشاهی متحد بریتانیا و ایرلند شمالی و ایالات متحده آمریکا به تایید مجدد تعهدشان نسبت به اوکراین بر طبق اصول قطعنامه نهایی کنفرانس امنیت و همکاری اروپا (CSCE²⁰) برای احترام به استقلال و حاکمیت اراضی اوکراین تاکید نمودند.

۲. فدراسیون روسیه، پادشاهی متحد بریتانیا و ایرلند شمالی و ایالات متحده آمریکا متعهد شدند، هیچ‌یک از تسلیحات خود را علیه اوکراین به غیر از زمان دفاع از خود، استفاده نکنند.

۳. فدراسیون روسیه، پادشاهی متحد بریتانیا و ایرلند شمالی و ایالات متحده آمریکا به تایید مجدد تعهداتشان نسبت به اوکراین طبق اصول قطعنامه نهایی کنفرانس امنیت و همکاری اروپا پرداختند؛ تا از تحریم اقتصادی به منظور مطیع کردن اوکراین به نفع خودشان خودداری کنند، حق طبیعی حاکمیت اوکراین را به رسمیت شناخته و به تامین منافع آن پردازند (Caianiello, 2022).

نخست‌وزیر روسیه دمیتری مدودف، مصاحبه‌ای با خبرگزاری بلومبرگ انجام داد؛ که در آن بیان نمود؛ روسیه نمی‌تواند به تضمین تمامیت ارضی اوکراین پردازد زیرا هیچوقت چنین تعهدی را قبول نکرده است. وی بیان نمود، روسیه چیزی را تضمین نکرده است زیرا هیچ تعهدی در این زمینه بر عهده گرفته نشده است از همین رو، روسیه به مسیر خود در این نبرد ادامه می‌دهد؛ مهم این است که شرایط در قلمرو اوکراین آرام نگه‌داشته شود. از این رو به نظر می‌رسد؛ روسیه فراموش نموده که تفاهم‌نامه بوداپست را امضا کرده است (Tsygankov, 2023:10).

از زمان آغاز جنگ، جهان شاهد کشتار غیرنظامیان بسیاری- از جمله کودکان- و بمباران و تخریب ساختمان‌ها و زیرساخت‌ها و نقض گسترده حقوق بشر بوده است. با این وجود در شرایط کنونی، به نظر می‌رسد که تضمین دادرسی عادلانه در اوکراین به دلایل مختلف امری دشوار است؛ زیرا:

۱. زمانی که جنگ به پایان برسد، اولویت بر بازسازی بخش‌های مختلف اوکراین است.
۲. نفرت مردم اوکراین به طور روزافزون در حال افزایش نسبت به روسیه است. با توجه به اینکه احساسات تاثیر بسیار زیادی بر روند بررسی جرائم جنگی دارد؛ لذا این احتمال وجود دارد که تنها جرائمی که توسط روس‌ها صورت گرفته تحت تعقیب و مورد بازخواست قرار گیرد و روند رسیدگی به جرائم از شکل عادلانه خود خارج گردد.
۳. تصور اینکه روسیه به تعقیب و مجازات افراد مسئول جرایم مربوطه پردازد؛ غیرمحتمل است. بدون شک چنین جرایمی پس از تحقیقات انجام شده توسط نهادهای حقوقی مستقل بین‌المللی و کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل متحد به تایید جهانی رسیده و غیرقابل چشم‌پوشی است. این فرایند به طور مشخص در سطح حاکمیت صدق می‌کند.

²⁰ Conference on Security and Cooperation in Europe

حقوق بشر در سطح بین‌الملل را می‌توان برای پیشبرد و قانونی کردن اهداف نئولیبرال، تأیید مغایرت بین زبان‌های متفاوت که حقوق بین‌الملل در موضوعات مختلف بکار می‌گیرد؛ دست‌کاری نمود. به عنوان مثال، حمایت از حقوق بشر و در عین حال بی‌توجهی به آن زمانی که حقوق تجارت و اقتصاد بین‌الملل، به نقض حقوق بشر می‌پردازد (Lanza, 2022: 10). این همان عملی است که روسیه از طریق حمایت از حقوق بشر بین‌المللی با عضویت در چندین معاهده مرتبط با حقوق بشر از جمله معاهدات ژنو، انجام داده است.

فراسوی اجرای موثرتر حقوق بین‌الملل

روش‌های مختلف مرتبط با حقوق بین‌الملل در مورد جنگ اوکراین، تأیید می‌کنند؛ که اجماع کلی کنشگران بین‌المللی حائز اهمیت است. اگرچه اهمیت آن بیشتر از چارچوب قانون بین‌الملل نیست. حمله به اوکراین نشان می‌دهد که این امکان وجود دارد تا کنترل ابرقدرت‌ها تا زمانی که اجماع قابل‌قبولی بین آن‌ها و اراده برای استفاده از تمام نهادهای حقوقی وجود داشته باشد، پرداخته شود. با نگاهی به قطعنامه اولیه که توسط مجمع عمومی در اوایل مارس صادر شد، ۱۴۱ کشور به محکومیت اقدام خصمانه روسیه پرداختند و موافقت نمودند؛ که روسیه موجب نقض قانون اساسی حقوق بین‌الملل، یعنی عدم استفاده از زور شده است. اوکراین از استراتژی خوبی استفاده کرده است: با درک این شرایط که قانون کاملاً به نفع آن‌هاست، از آن برای کمک به خود استفاده کرده است. همچنین کشور اوکراین دفاع از خود را در برابر حمله غیرقانونی انجام می‌دهد. این موجب شده است (Caianiello, 2022: 9)؛ که کشورهای دیگر کمک‌های مهم و بی‌سابقه نظامی و بشردوستانه را برای دفاع از آن ارائه کنند. بیش از ایجاد اجماع در سراسر جهان، مساله مهم کار روی آن برای حفظ شرایط با گذر زمان است. همچنین بر روی این نکته تأکید دارد؛ که حقوق بین‌الملل دارای وابستگی زیادی به اجماع جهانی است که به عنوان یک مکانیسم غیرقابل‌انکاست. از این رو مهم است؛ که در مسیر کاربرد منصفانه حقوق بین‌الملل حرکت کند و به شناسایی نقایص پردازد که در پشت نظام بین‌المللی در حوزه‌های مختلف پنهان شود (Salari, 2023: 2).

حقوق بین‌الملل کنونی به نفع روسیه است، زیرا اگرچه روسیه به نقض فاحش حقوق بین‌المللی بشر و کیفری دست‌زده است، به دلیل ماهیت پیچیده و کند نهادهای بین‌المللی، زمانی زیادی به طول می‌انجامد تا کشورها به این اجماع برسند که اقدام روسیه غیرقانونی بوده و تصمیم‌گیری کنند که تحریم‌های سنگینی را وضع کنند و از لحاظ مالی و قانونی به اوکراین کمک کنند تا امیدش را حفظ کند. با این وجود، درگیری‌ها همچنان ادامه دارد.

حق و تو اعضای شورای امنیت سازمان ملل را می‌توان نسبت به هنجارهای بنیادین غیرقانونی دانست. حق و تو در شرایط نقض اصول حقوق بین‌الملل، نظیر کاربرد غیر مشروع زور یا ارتکاب جرایم جنگی، نه تنها توسط سایر کشورها بلکه هر یک از اعضای دائم شورای امنیت، غیرقانونی است. حق و تو اعضای شورای امنیت سازمان ملل را می‌توان نسبت به هنجارهای بنیادین غیرقانونی دانست. حق و تو در شرایط نقض اصول حقوق بین‌الملل، نظیر کاربرد غیر مشروع زور یا ارتکاب جرایم جنگی، نه تنها توسط سایر کشورها بلکه هر یک از اعضای دائم شورای امنیت، غیرقانونی است. این موضوع به دو دلیل اصلی مطرح می‌شود:

- حق وتو می تواند مانع از اعمال عدالت و جلوگیری از نقض حقوق بین الملل شود. در واقع، این حق به اعضای دائم شورای امنیت اجازه می دهد تا از تصویب قطعنامه هایی که منافع آنها را به خطر می اندازد، جلوگیری کنند. این امر به ویژه در مواردی که این اعضای دائم مرتکب نقض حقوق بین الملل شده اند، مشکل ساز است.
- حق وتو می تواند به کاهش مشروعیت شورای امنیت کمک کند. این امر به این دلیل است که حق وتو به اعضای دائم شورای امنیت اجازه می دهد تا از تصمیم گیری های شورای امنیت که توسط اکثریت اعضای شورای امنیت حمایت می شوند، جلوگیری کنند. این امر می تواند به شورای امنیت به عنوان یک نهاد عادلانه و دموکراتیک آسیب برساند (Roland, 2023: 10).

با توجه به این دلایل، برخی از کشورها و کارشناسان حقوق بین الملل، پیشنهاد نمودند؛ حق وتو در ارتباط با هنجارهای بنیادین حقوق بین الملل غیرقانونی اعلام شود. این امر به این معنی است که اعضای دائم شورای امنیت نمی توانند از حق وتو خود برای جلوگیری از تصویب قطعنامه هایی که نقض اصول حقوق بین الملل را محکوم می کنند، استفاده کنند. این طرح با مخالفت برخی از کشورهای عضو دائم شورای امنیت، از جمله ایالات متحده، روسیه و چین، مواجه شده است. این کشورها استدلال می کنند که حق وتو یک حق اساسی برای اعضای دائم شورای امنیت است و نباید از آن سلب شود. از این رو، این طرح همچنین از سوی برخی دیگر از کشورهای عضو شورای امنیت، از جمله فرانسه، بریتانیا و آلمان، حمایت شده است. این کشورها استدلال می کنند که این طرح می تواند به بهبود کارایی و مشروعیت شورای امنیت کمک کند (مارسینکو و روگولا، ۲۰۱۷: ۱۱).

تاکنون، این طرح به مرحله اجرا نرسیده است. با این حال، این موضوع همچنان در حال بحث و بررسی است و ممکن است در آینده به تصویب برسد. در ادامه، به برخی فواید و چالش های این طرح اشاره می شود:

فواید:

- می تواند به جلوگیری از سوءاستفاده از حق وتو کمک کند.
- می تواند به افزایش مشروعیت شورای امنیت کمک کند.
- می تواند به تقویت توانایی شورای امنیت در حفظ صلح و امنیت جهانی کمک کند.

چالش ها:

- ممکن است اجرای آن دشوار باشد.
- ممکن است کشورهای عضو دائم شورای امنیت به این طرح اعتراض کنند و از تصویب آن جلوگیری کنند.
- در نهایت، تصمیم گیری در مورد اینکه آیا حق وتو در مورد هنجارهای بنیادین حقوق بین الملل باید غیرقانونی اعلام شود یا خیر، به جامعه بین المللی بستگی دارد (Roland, 2023: 7).

این امر تصمیمی مهم است که می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر آینده شورای امنیت داشته باشد. اگرچه شورای امنیت دارای بیشترین قدرت در چارچوب قانون بین‌الملل به دلیل محدودیت‌های ساختاری است، اما به عنوان راهکار اصلی برای اجرای حقوق بین‌الملل در عصر امروزی نیست. در عوض کشورها به مجازات کشورهای که به نقض حقوق بین‌الملل می‌پردازند؛ از طریق مکانیسم‌های غیرمتمرکزتر نظیر استفاده از تحریم‌های اقتصادی، تحریم‌های تجاری و اقدامات دیپلماتیک مبادرت می‌ورزند. حقوق بین‌الملل به ارائه مجموعه‌ای از مزایا برای اعضای سازمان‌های جهانی می‌پردازد؛ که نقش اساسی در همکاری‌های جهانی دارد. این امر موجب می‌شود؛ جامعه بین‌الملل بعضی از کشورها که از مشارکت سر باز می‌زنند؛ از این مزایا محروم کند؛ بنابراین، حتی اگر کشوری تمایل بر اجرای حقوق بین‌الملل نداشته باشد، توسط سایر کشورها انجام می‌شود (Caianiello, 2022:5).

همچنین نیاز به نهادهای اجرای قانون با مجوز بین‌الملل است. براساس ماده (1) 52 منشور ملل هیچ چیز در منشور کنونی مانع موجودیت نهادها یا سازمان‌های منطقه‌ای برای حل موضوعات مربوط به حفظ صلح و امنیت بین‌الملل که برای فعالیت منطقه مناسب به نظر برسد، وجود ندارد. به شرطی که چنین سازمان‌ها و نهادهایی همگام با اهداف و اصول سازمان ملل باشد (منشور سازمان ملل ماده ۵۲ بخش ۱). این ماده موجودیت سازمان‌های منطقه‌ای نظیر ناتو را به رسمیت می‌شناسد. سازمان ناتو در طول تاریخ به عنوان قدرتمندترین اتحادیه است. هدف حفظ صلح در سطح جهان در حال تحول است. متحدان ناتو علاوه بر ایجاد فشارهای اقتصادی به روسیه، از لحاظ تسلیحاتی و اطلاعاتی به کشور اوکراین کمک می‌کنند؛ که این کمک‌ها در زمینه طرح‌های پیچیده حمله به روسیه به حساب می‌آید. جنز استولتنبرگ^{۲۱}، دبیر کل ناتو می‌گوید، ناتو به عنوان موفق‌ترین اتحادیه در تاریخ است؛ زیرا به قادر به ایجاد تغییرات در تحولات جهانی شده است. ایجاد نهادهای بیشتر با ساختار مشابه و تایید بین‌المللی موجب افزایش کارایی اجرای حقوق بین‌الملل می‌شود (Crawford, 2019:4).

همچنین مدل نظارت مشترک توسط بعضی از کشورها اجرا می‌شود؛ این مدل جدید می‌تواند کمک شایانی به رفع موانع ساختاری و سازمانی کمک می‌کند؛ که مدل کنونی بیشترین تأثیر را بر ناکارآمدی جاری در اجرای حقوق بین‌الملل دارد. این نوع تغییر تضمین‌کننده حقوق بین‌الملل در ارتباط با همه است (Hauter, 2021:6).

به هدف مشارکت در این روند احیا، سازمان‌ها می‌توانند به دولت‌ها کمک کنند تا به آنچه که می‌خواهند از طریق ابزارهایی نظیر دسترسی به کارشناسان و آموزش در مسائل مختلف دست پیدا کنند؛ دولت‌ها تنها از طریق مشارکت مقتدرانه در حقوق بین‌الملل می‌توانند منافع مالی‌شان را در دنیای مدرن به پیش می‌برند. بزرگ‌ترین تغییرات در بعضی از مقیاس‌های کوچک رخ می‌دهد. سازمان ملل می‌تواند در مسیر ادغام مسئولیت‌های حقوقی در سطح بین‌الملل پیش رود تا تمام کنشگران بین‌المللی، در برابر تخلفات خود پاسخگو باشند. حقوق بین‌الملل تنها نگاه خود را به نمایندگان است، اما استثنائاتی برای نمایندگان مدنی نظیر موسسات وجود دارد. بعضی از موسسات در نقض حقوق بشر مشارکت داشته و مسئولیت کفیری خود را برعهده سایر کشورها قرار می‌دهند (Janik, 2023:17).

²¹ Jens Stoltenberg

حقوق کیفری در سطح بین‌الملل و دادگاه کیفری بین‌المللی، باید اقدامات بیشتری را برای واکنش در برابر جرایم حقوقی انجام دهد. روش‌های مختلفی برای حصول به این امر وجود دارد. اولین روش، تعمیم و اصلاح تعریف مسئولیت کیفری فردی و معنای شخص حقیقی طبق اساسنامه حقوق بین‌الملل به منظور توجه به موسسات است. روش دیگر، ایجاد اجلاس بین‌المللی توانمند برای به رسمیت شناختن مسئولیت کیفری موسسات است، این اجلاس باید همکاری نزدیکی با سازمان‌های منطقه‌ای و ملی داشته باشد. در پایان اینکه مسئولیت حقوقی برای جرایم بین‌المللی باید در قوانین داخلی تعمیم پیدا کند که بسیار مهم است. هدف این است که به بررسی مصونیت حقوقی از طریق ایجاد چارچوب قانونی بین‌المللی است؛ که مرتبط با نهادهای حقوقی و همچنین افراد پشت این جرایم بوده که در مجموع کمکی به عدالت بین‌المللی می‌کند (Caianiello, 2022: 14).

همچنین موضوعاتی شبیه به معاهده مالابو^{۲۲} که توسط اتحادیه آفریقا به اجرا در آمد و می‌تواند در جاهای دیگر برای مسئولیت‌پذیر کردن موسسات به اجرا در آورد. معاهده مالابو اتحادیه آفریقا که برای اجرایی کردن دیوان دادگستری آفریقا و حقوق بشر به تصویب رسید. با انتشار طرح مبتکرانه مسئولیت کیفری مبتنی بر ماده (c) 46 معاهده مالابو، براساس این اساسنامه، دادگاه دارای اختیاراتی در ارتباط با افراد حقوقی به استثنا دولت‌ها است. این ماده در ارتباط با پرونده‌هایی است که یک موسسه برای ارتکاب جرم از طریق اثبات سیاست آن موسسه تحقق می‌یابد و منجر به وقوع اقدامات مجرمانه شده یا اطلاعات مفید و واقعی در مورد جزئیات آن جرم در آن موسسه وجود داشته باشد. این نمونه، اولین باری بوده که مسئولیت کیفری موسسات در دادگاه کیفری بین‌المللی و جدایی از تعقیب یک‌نهاد در دادگاه‌های داخلی یا دادگاه حقوق بشر منطقه‌ای نظیر دادگاه حقوق بشر اروپا گنجانده شده است (Tsygankov, 2023: 12).

با وجود اینکه معاهده مالابو محدود به جرایم ارتكابی در قلمرو کشورهای عضو است، این معاهده در ارتباط با مسئولیت‌پذیر حقوق نیز نوآورانه است؛ اما بعضی به نقد پروتکل مالابو به دلیل چنین اختیارات بالایی در ارتباط با ظرفیت دادگاه برای حل پرونده‌ها می‌پردازد. دادگاه بین‌المللی کیفری و همچنین دادگاه‌های بین‌المللی دیگر زمان زیادی را برای حل و فصل پرونده‌ها اختصاص می‌دهند (Caianiello, 2022: 13).

همچنین کنترل این موضوع که چگونه حقوق بین‌الملل مجوزی برای نقض آشکار قوانین است. به عنوان گامی مهم برای بستن خلاء مصونیت است. روش انجام این کار از طریق ایجاد اطمینان برای شفافیت بیشتر در معاهدات و عرصه کمتر برای تفسیر صورت می‌گیرد. حقوق بین‌الملل باید از بیانیه‌های اصول رفتاری به سمت تهدیدهای قابل باورتر نسبت به ناقضان این قوانین برود و بخشی از این فرایند ایجاد اطمینان از این موضوع است که هر کنشگر بین‌المللی مورد خطاب قرار گرفته و منطبق با قوانین حقوق بین‌الملل باشد. در ارتباط با جنگ اوکراین، جرم تجاوز ارضی توسط روسیه صورت گرفته است، چندین طرح در این ارتباط وجود دارد که چگونه به تعقیب و مجازات جرم تجاوز ارضی پرداخته شده است. بعضی طرح‌ها برای ایجاد دادگاه ترکیبی و بین‌المللی باهدف تعقیب و مجازات جرم تجاوز ارضی مطرح نمود که به مبحث خلاء مصونیت دادگاه کیفری بین‌المللی می‌پردازد. وجود این خلاء مصونیت به این معناست که بعضی از کنشگران بین‌المللی از مجازات

^{۲۲} Malabo

معاف شدند. فاتو بنسودا^{۲۳}، دادستان دادگاه کیفری بین‌المللی، اظهاراتی را در سال ۲۰۱۸ بابت خلاء مصونیت بیان نمود که براساس این بیانیه اداره همیشه تأکیدی بر اهمیت همکاری و همیاری است؛ بنابراین ایجاد پیوندی قدرتمند بین سیستم‌های قضایی ملی و دادگاه کیفری بین‌المللی (ICC)^{۲۴} مهم است. همچنین او می‌افزاید، همچنین تشخیص داده‌ایم که همکاری به عنوان عامل مهمی برای بستن خلاء مصونیت است. همکاری کنشگران و نمایندگان دولتی مختلف موجب افزایش احتمال اجرای حقوق بین‌الملل می‌شود. ایجاد پیوند قوی‌تر بین نظام حقوقی ملی و بین‌المللی می‌تواند تضمین کند که حقوق بین‌الملل، بهتر به اجرا درمی‌آید (Crawford, 2019: 3). به همین نحو، بعضی از کشورها به ادغام معاهدات ژنو با قوانین داخلی‌شان پرداخته‌اند، همین شرایط می‌تواند برای هر معاهده‌ای که به تصویب دولت می‌رسد، ایجاد شود. این فرایند درونی سازی است و اشاره به ابزاری دارد که دولت‌ها از طریق آن به ادغام حقوق بین‌الملل در قوانین داخلی‌شان می‌پردازند؛ بنابراین، اتکای کامل به دادگاه‌های داخلی، پیشنهاد نمی‌شود. در ارتباط با جنگ اوکراین، قانون داخلی اوکراین اساس نمی‌تواند از لحاظ ساختاری و مالی، آمادگی سازماندهی این دادگاه‌های سطح بالا را داشته باشد (Snyder, 2022: 5).

در سال ۲۰۱۶، پارلمان اوکراین به اصلاح قانون اساسی خود به منظور امکان تصویب اساسنامه با افزودن مفادی به ماده ۱۲۴ پرداخت و اعلام کرد که اوکراین صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی در ارتباط شرایط تعریف شده اساسنامه در ارتباط با دادگاه کیفری بین‌المللی را به رسمیت می‌شناسد. همچنین این اصلاحیه، بند ۳ ماده ۱۲۴ را که مربوط به یکی از دو مفادی بود که قانون اساسی اوکراین آن را به عنوان مانعی برای تصویب اساسنامه می‌دانست، حذف نمود (Salari, 2023: 16).

تیموفی میلوانوف و ناتالیا شاپووال^{۲۵} که هر دو از اساتید دانشگاه کیف هستند؛ تحریم‌ها را در توقف حملات موثر می‌دانند. آن‌ها معتقدند تحریم به شکل کنونی اثرگذاری چندانی ندارد و باید ساختار و شکل تحریم‌ها مورد بازبینی قرار گیرد. تقویت نیروی نظامی و اقتصادی موجب ورود منابعی بیشتر در حوزه نظام‌های مالی دارد و امنیت مسیرهای تجاری در این حوزه بیشتر حفظ می‌گردد؛ که این امر نیازمند پشتیبانی و توجه بیشتر است. اگرچه استدلال این پژوهشگران قابل توجه است؛ اما با توجه به اینکه تحریم‌های اقتصادی سرعت اثرگذاری بالایی در کوتاه مدت ندارد چندان نمی‌تواند بر توقف درگیری‌های نظامی اثرگذار باشد. در نبود یک مکانیسم موثرتر، کنشگران قدرتمند بین‌المللی به سمت برعهده گرفتن رهبری جهانی حرکت نمودند. به عنوان مثال، حقوق بین‌الملل می‌تواند از طریق ایجاد اولویت‌های شفاف تایید کند که جامعه بین‌الملل، حملات متجاوزانه را تحمل نخواهد کرد (Crawford, 2019: 7).

براین مبنا کارشناسان به بررسی اصلاحات موردنیاز برای قوانین داخلی کشورها پرداخته تا به وضع محدودیت‌ها در ارتباط با اجرای هرچه دقیق‌تر تحریم‌های بین‌المللی نقشی اساسی ایفا نماید و حتی به سمت اصلاحات اساسی و بلندپروازانه نظیر ایجاد فشار برای شفافیت‌های مالی جهانی و حرکت به سمت خودکفایی تولید انرژی به منظور کاهش وابستگی به

^{۲۳} Fatou Bensouda

^{۲۴} International Criminal Court

^{۲۵} Tymofiy Mylovanov & Nataliia Shapoval

قدرت‌هایی که به نقض حقوق بین‌الملل می‌پردازند، حرکت کند (Lanza, 2022:8). همان‌طور که در جنگ اوکراین شاهد این واقعیت هستیم که بسیاری از کشورها به سمت کاهش وابستگی به نفت و گاز روسیه حرکت کردند.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل‌های صورت گرفته در بخش‌های قبلی نشان می‌دهد؛ نیاز فوری به اصلاح و بهبود قوانین مربوط به حقوق بین‌الملل و روش‌های اجرای آن وجود دارد. حقوق بین‌الملل، همچنان که با تغییرات جهانی خود را منطبق می‌سازد، نقاط ضعف خود را نیز نمایان نموده که نیازمند اقدامات اصلاحی مناسب است. از این رو، تضمین مکانیسم‌های اجرایی برای حقوق بین‌الملل، امری حیاتی است. از نظر محققان، چالش اصلی این موضوع که هنوز به طور کامل براساس چارچوب‌های بین‌المللی رفع نشده است؛ تنها زمانی قابلیت اجرایی دارد که همه طرفین دعوا آن را اجرایی نمایند. هر چند این مقاله بر راه‌های بهبود اجرای قوانین حقوق بین‌الملل متمرکز بوده است؛ اما محدودیت‌های ساختاری شورای امنیت سازمان ملل متحد نقاط ضعف اساسی این سیستم را افشا نموده است. همچنین بحران اوکراین نقاط ضعف قوانین بین‌المللی در زمینه مهاجرت و پناهندگان را نشان داد؛ که نیازمند اقدامات اصلاحی در زمینه تعریف پناهندگی بین‌المللی جهت درگیری‌های مسلحانه و خشونت عمومی، مسائل مرتبط با برابری و نژادپرستی و تعیین مکانیسم‌های تسهیل مشارکت در مسئولیت‌های مشترک در مواقع جابجایی گسترده است. جنگ اوکراین به عنوان نمونه‌ای از تحولات مهم، این نقاط ضعف مشترک در قوانین را نمایان نمود. همچنین اهمیت عدالت انتقالی و نقش کمیته‌های حقیقت‌یاب در پشتیبانی از حقایق و شناسایی رویدادهای تلخ نیز می‌باید مورد بررسی قرار گیرد. این مسیر شامل جبران خسارت‌های مالی یا معنوی به قربانیان می‌شود. بعلاوه، توجه به پیشرفت در حقوق بین‌الملل و نقش اتحادیه‌های بین‌المللی در این پیشرفت‌ها امری ضروری است. هر چند سازمان ملل هنوز به طور کامل از نظر ساختاری به طور کامل اجرایی نشده است؛ اما به ایجاد نظم جهانی کمک کرده و نهادهای دموکراتیک را در سرتاسر جهان تقویت نموده است. نظام بین‌المللی نیز با ارزش‌هایی نظیر صلح و حمایت از حقوق بشر در خدمت انسانیت است. هیچ‌گاه تا به امروز این قدر از تعهد به حمایت از حقوق بشر وجود نداشته است که

کشورها به تعداد زیادی از معاهدات و پیمان‌های بین‌المللی متعهد باشند. تحقق حقوق بین‌الملل با چالش‌های بزرگی همراه است و نیاز به بررسی‌های دقیق‌تر در ارتباط با حقوق برابری و اجرای کارآمدتر این قوانین وجود دارد. پژوهش به این نتیجه رسید که مشکل اصلی در عدم انطباق مکانیسم‌ها با حقوق بین‌الملل و وجود خلاء مصونیت و مصونیت حقوقی است. از این رو در حوزه حقوق بین‌الملل، می‌باید چارچوب و مکانیسم دقیق و مورد توافق بیشتر کشورها وضع نمود تا این قوانین به بهترین شکل ممکن اجرایی شوند؛ که این اصلاحات باید با همکاری شورای امنیت و بهره‌گیری از اختیارات و نهادهای سازمان‌های غیر مستقیم زیر نظر شورای امنیت، صورت گیرد تا تضمینی بر پاسخ‌گو نمودن اعضا نقض‌کننده قوانین بین‌المللی فراهم شود. بنابراین لازم است تا اهمیت نقد و تفسیر راجع به دیدگاه‌ها و عملکرد طرفین جنگ در اوکراین مورد بحث و بررسی دقیق قرار گیرد. ایجاد درکی دقیق نسبت به استدلال‌ها و رفتارهای روسیه برای تدوین و اجرای راه‌حل‌های پیشگیرانه امری حیاتی است. تدوین راهکارهایی که به جلوگیری از تهاجم مشابه منجر شود؛ نیازمند تدوین و پیاده‌سازی اقداماتی کارآمد است. اگرچه این تحقیق از جنگ اوکراین به عنوان موردی استفاده کرده است، اما موارد مطرح شده برای بهبود حقوق بین‌الملل و اجرای آن در تمام مواقع نقض مورد تأکید قرار می‌گیرند. تلاش‌های مستمر در این زمینه می‌تواند به سازماندهی بهتر حقوق بین‌الملل و بهبود نظم جهانی منجر گردد.

منابع

- سیفی، بهزاد. (۱۴۰۲). «جنگ روسیه و اوکراین از منظر حقوق توسل به‌زور». فصلنامه علمی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، دوره ۲۹، شماره ۱۰۷: ۱۲۱-۱۳۶.
- نمایان، پیمان؛ توسلی نائینی، منوچهر. (۱۴۰۰). «صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی در رسیدگی به جنایات جنگی در اوکراین». فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۲۴، شماره ۹۳: ۲۴۷-۲۷۲.
- Caianiello, M. (2022). "The Role of the EU in the Investigation of Serious International Crimes Committed in Ukraine. Towards a New Model of Cooperation?", *European Journal of Crime, Criminal Law and Criminal Justice*, Vol.30, No.3, 219-237.
- Crawford J, Brownlie's principles of public international law (8th edn, OUP 2019).
- Flockhart, T., Korosteleva, E., (2022). "War in Ukraine: Putin and the multi-order world". *Contemp. Secur. Policy*, Vol.43, No. 3, 466-481.
- Gorodnichenko, Y. and G. Roland (2021) "Culture, institutions and democratization", *Public Choice*, Vol187, No.2, 165-195.
- Hauter, J. (2021). "How the War Began: Conceptualizing Conflict Escalation in Ukraine's Donbas". *The Soviet and Post-Soviet Review*, Vol.48, No.2, 135-163.
- Janik, R. (2024). "Austrian Neutrality amid Russia's War on Ukraine". *Austrian Review of International and European Law Online*, Vol.26, No.1, 147-159.
- Katchanovski, I. (2023). "The Maidan Massacre Trial and Investigation Revelations: Implications for the Ukraine-Russia War and Relations". *Russian Politics*, Vol. 8, No.2, 181-205.
- Kelly, Michael J. (2023) "The Role of International Law in the Russia-Ukraine War". *Case Western Reserve Journal of International Law*, Vol.55, No.1, 55-70.
- Lanza, G. (2022). "The Fundamental Role of International (Criminal) Law in the War in Ukraine". *Orbis*, Vol. 66, No.3, 424-435.
- Maharaswati Denpasar, U., Indonesia, B. (2022). "The Role of United Nations on War Conflict Between Russia and Ukraine". *International Journal of Social Science and Business*. Vol.6, No.4, 496-501.
- Marcinko, M., Rogala, B. (2017). "The Ukrainian Crisis: A Test for International Law?", *Polish Review of International and European Law*, Vol.5, No. 37, 37-45.
- Roland, G. (2023). "The war in Ukraine and its consequences for the international order and North East Asia". *Asia and the Global Economy*, Vol, 3, No.1, 56-70.
- Salari, A. (2023). "Russia's Attack on Ukraine; A Review of the International Criminal Court's Capacity to Examine the Crime of Aggression". *Access to Justice in Eastern Europe*, Vol.6, 1-20
- Snyder, T., (2022). "The War in Ukraine is a colonial war". *New Yorker*. April 28.
- Tsygankov, A. P. (2023). "Between War and Peace: Russian Visions of Future Relations with Ukraine and the West". *Russian Politics*, Vol.8, No.2, 230-246.